

# ترجمان فطرت در گفتمان عرفان و هنر اسلامی پدیدارشناسی فطرت در هنر اسلامی ایران



## چکیده:

فطرت انسان، نقشی از برای هر باشنده‌ای و در اوج تنوع، کثرت و زیبایی، اساس ارتباط با بی‌کران و آفریدگار عیان و نهان، هنر اسلامی تجربه‌ی استحسانی در اثر عدم تجانس با هستمندان عالم در پی غربتی ناشی از آگاهی بر امر متعال و در گفتمانی با فطرت انسانی، گفتمانی نه تنها از زمین بر آسمان که تسلسلی از گزین‌گوی‌های آسمان و زمین. کشش‌های فطری روحی که اصل ذات الوهی را در فضاسازی و معماری مساجد و نقاشی تجریدی و اسلیمی اماکن مذهبی در تسلسلی محتوایی - تصویری با رنگ، نور، اشکال و نقوش در بستری از تقارن فضایی و توازن کالبدی می‌نمایاند. این گفتار را تلاش بر آن است تا فطرت را با هنر دینی چنان پیوندی زند که گفتمان فطری را در روند آفرینش هنر با نگاهی نو به نگارش درآورد.

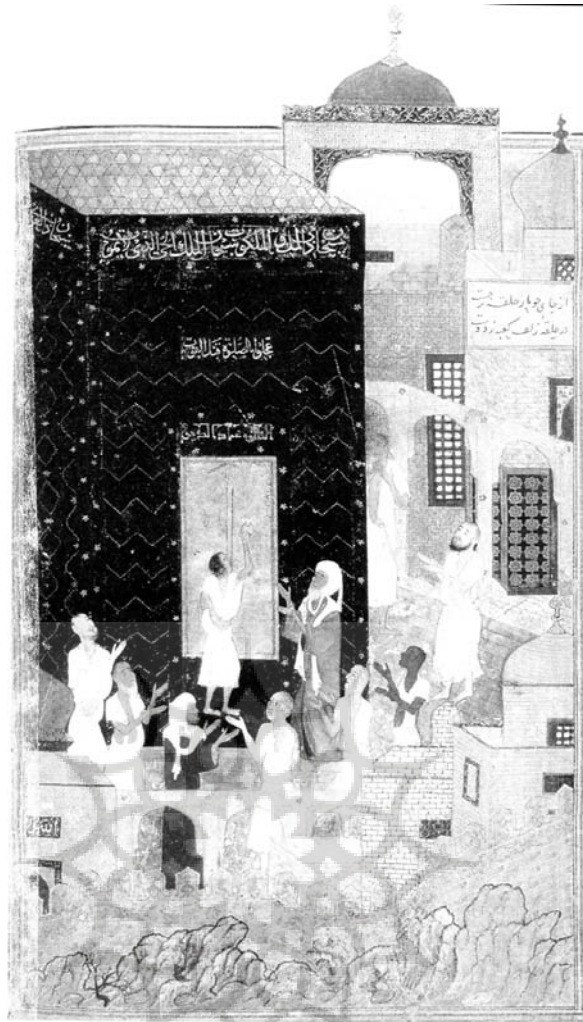
## واژگان کلیدی:

هنر اسلامی، عرفان اسلامی، هنر دینی، آفرینش هنر اسلامی.

مخیر اخلاق به عنوان غایت تجربه‌ی هنری است که با ذات الوهی یگانه است. <sup>۳</sup> این زیبایی مطلق، ورای هر زیبایی محسوس و معقول تنها در یک همبستگی عرفانی با آن قابل شناسایی است؛ گویی انسان در ساحت هنر اسلامی می‌آفریند تا به ذات الوهی عشق ورزد و در مدد این عشق الهی به جاودانگی مانا دست یابد. در این فرآیند آفرینش هنری هر چه بیشتر می‌کوشد تا حقیقت را به ترسیم و تجسیم کشاند، حقیقتی که عین زیبایی است و زیبایی را دوست می‌دارد؛<sup>۴</sup> ذاتی الوهی که زیباست و زیبا می‌آفریند و به هر عمل خیری چنان پاداشی می‌دهد که همان زیبایی و جاودانگی است، گویی فطرت انسان همان ذات ربوبی است با همه‌ی صفات و کمال. در این میان هنر دینی مکاشفه‌ی استحسانی و مجاهده‌ی روحانی از صور هستی در راه اتصال به حقیقت ذات الهی در روند تجربه‌ی زیباشناختی است.<sup>۵</sup> هنری که غایت آن طریقتی است که «خداوار زیستن» را امکان می‌دهد. گفتمان فطرت و هنر اسلامی، کشش‌های روحی که به عنوان نیروی محرک درونی انسان به سوی کمال، ره به جذبه‌ی عمیق از حقایق علوی و باطنی عالم یافته چنان نشئه‌ی پدید می‌آورد که در فضاسازی و معماری مساجد، اسلیمی و ختایی‌های اماکن مذهبی و نقاشی‌های تجریدی کلام عرفانی و روحانی، خویش را باز می‌نمایاند.

شریعتی اثر هنری اصیل را با عرفان و مذهب یکی می‌پندارد و هنر را محاکاتی از ماوراءالطبیعه برای آراستن این جهان به سان زیبایی جهان متعالی

عشق و پرستش، میل به جاودانگی، خلاقیت و زیبایی تجلیات فطرت انسانی است که از جایگاه نخستین خویش به دور افتاده است.<sup>۱</sup> انسانی که دارای فطرتی واحد است<sup>۲</sup> و بنوع آن تنها یک زیبایی مطلق، یک اسطوره‌ی پرستش و یک



می‌داند و آن را تقلید از ماوراء محسوس می‌انگارد تا آنچه را در طبیعت می‌جوید و نمی‌یابد، به ترسیم کشد.<sup>۶</sup> بورکهارت نیز هنر الهی را تجلی وحدت الهی در جمال نظم عالم می‌داند که در هماهنگی و انسجام عالم کثرت، در نظم و توازن انعکاس می‌یابد.<sup>۷</sup>

الیاده نیز هنر دینی را تجلی قدسی از ظهور امر متعال از خلال واقعیت مادی می‌پندارد که با تجلی امر قدسی، پدیده‌ها به مرتبه‌ای رازآمیز و فوق زمینی ارتقا می‌یابند.<sup>۸</sup> همچنین حسین نصر منشأ صدور این امر قدسی را عالم روحانی می‌انگارد که فوق ساحت روانی یا عالم نفسانی است<sup>۹</sup> و در گفتمان آرنولد هاووزر هنر دینی جهت ارایه‌ی معنا و عمق احساس، ایمان و تجربه‌ی دینی ظاهر می‌شود.<sup>۱۰</sup>

بیان فوق به ساحت فرامادی هنر اسلامی اشاره دارد، ساحتی که ذات آفریننده‌ی هنری، فطرت را اصل بدیعی می‌یابد تا حقیقت ذاتی رویدادها و پدیده‌ها را بر ملا سازد<sup>۱۱</sup> و حقیقت برتر را آشکار گرداند.

### حقیقت‌جویی:

مکاشفه‌ی باشندگان از صور هستی در بستر حقیقت‌گرایی و حقیقت‌طلبی در روند تجربه‌ی استحسانی-روحانی، و میل گفتمان با طبیعت بی‌کران و تجرید هستی و تلاش در بیان و تکوین حقایق الوهی و در قالب کلام و موسیقی،

ترسیم و تجسیم، معماری و شهرسازی، نشانگر مجاهده‌ی روحانی در راه تقرب به حقیقتی برتر و فراگیر است. در یک سوی این جهد، انسان و دیگر سوی آن حقیقتی است که عین زیبایی و کمال است و گویی همین یگانه حقیقت عالم است که غایت هنر اسلامی است<sup>۱۲</sup> این هنر در عرصه‌ی آفرینش، محاضره‌ی افعال، مکاشفه‌ی اصفا و مشاهده‌ی ارواح را در بستر شهود و انکشاف، چنان اسبابی در بر می‌گیرد<sup>۱۳</sup> که هنرمند حقیقت‌جوی را در پی کرنشی به یزدان و مهد حقایق نهان، به حقیقت‌جویی جهان‌وامی دارد تا او را از جهان عاری از معنا و احساس‌رهایی بخشد.<sup>۱۴</sup>

### جمال و زیبایی:

مضمون زیبایی در هنر اسلامی چنان فراگیر و پویا است که گویی حقیقت عالم عین زیبایی است<sup>۱۵</sup> و انگیزه‌ی مکاشفه‌ی هنری برای انسانی است که زیبایی مطلق را به عنوان غایت، هنگامی که به تجربه درمی‌آید با خداوند متحد می‌داند.<sup>۱۶</sup> زیبایی مطلق ورای هر زیبایی محسوس و معقولی است که تنها در یک وحدت عرفانی با آن قابل شناسایی است.<sup>۱۷</sup> انسان در تلاش است هاله‌ای از زیبایی را بر زندگی خویش بگستراند؛ هاله‌ای برآمده از روند تجربه‌ی استحسانی-روحانی که به نمایش ترسیمی و تجسیمی سیرت پدیده‌ها در فرآیند نظمی کائناتی با غایتی الوهی ختم می‌شود، غایتی الهی که زیبا است و زیبایی را دوست



می‌دارد.

#### میل به جاودانگی:

هنر زاده‌ی غم غربتی است که از تجربه‌ی دهشتناک بیگانگی و فراق در اثر احساس عدم تجانس با موجودات عالم حاصل می‌شود، موجوداتی که فانی هستند و انسان مایل به جاودانگی است.<sup>۳۴</sup> هنر اسلامی در تلاش است تا در پس و پیش نقوش رنگین کاشی‌های لاجوردی سفالین تا گلدسته‌های رو به آسمان، اسلیمی‌ها و ختایی‌های سطح گنبد، مقرنس‌ها و کادربندی‌های اماکن مذهبی، ترسیم و تجسیم‌های روحانی و کلام و موسیقی عرفانی چنان نقشی زند که در پیوند تجربه و تجرید، رمز و طبیعت، عقل و عرفان و زمین و آسمان، ذات خویش را مانا و همیشگی گرداند، نقشی که فطرت میل به جاودانگی را در روند تجربه‌ای استحسانی پاسخی باشد.

#### خلاقیت و ابداع:

میل فزاینده‌ی انسان به آفرینش و تولید، علم‌آفرینی و خلق هنری همگان را به ترجمان احساس خویش در توالی و تطور پدیده‌ها و می‌دارد و کثرت سبک‌های هنری را دامن می‌زند. در هنر دینی نیز چه بیان تجریدی محض همچون اشکال و فرم‌های هندسی و تزیینی و چه نمایش نمادین و رمزی، تمثیلی و تجسیمی در قالب‌های ناتورالیستی و اکسپرسیونیستی و گاه همراه با تغییر شکل‌های بسیار، می‌تواند بیانی از ابداع و خلاقیتی باشد که امکان ارایه‌ی معنا و عمق احساس را در روند تجربه‌ای دینی - هنری فراهم می‌کند.<sup>۳۸</sup>

بنابراین، این امر دستیابی به جلوه‌های زیباشناختی دیگر را در پهنه‌ی عالم امکان می‌دهد و هستی را جلوه‌گاهی آینه‌وار می‌گرداند تا در پی خلاقیت و ابداع به برگردان اصالت ذات الوهی بر جبین آسمان نقشی دیگرگونه زند؛ ذاتی الوهی که خود نیز بدیع می‌آفریند، همان گونه که انسان را آفرید.

#### خیر اخلاقی:

هنر دینی سرچشمه‌ی تکاپوهای استحسانی انسان برای نجات از تنهایی و وصول به جاودانگی بی‌کرانی است که از خلال واقعیت مادی به ظهور امر متعال یا مقدس می‌پردازد. این هنر محملی است برای ذکر «اُحد» تا همگان را به معرفتی با سرشتی روحانی همگام سازد و ترجمانی برتر از جلوه‌ی الوهی در پهنه‌ی هستی قرار گیرد؛<sup>۳۵</sup> در این تکاپوی استحسانی، هیچ طلب سود یا دفع زبانی راه ندارد و تنها سلوک از غربت به قربت را معنا می‌دهد. در هر روی تلاش هنر اسلامی بر آن است تا به تمایل فطری انسان، اشراف و عنایتی نماید و ترجمان شگرفی از فطرت انسانی گردد؛ ترجمانی شگرف که خرق حجب امکانی و تصفیه‌ی قلب از کدورت برای انسانی که ابتدای وجود انفجار در کثرت و ماده دارد، را ممکن و مشاهده صریح وجود حق را با رفض تعینات امکانی حاصل گرداند.

#### عشق و پرستش:

از پایدارترین تجلیات روح آدمی و اصیل‌ترین ابعاد وجود بشری است که بر گمان برخی علمای دین‌شناسی<sup>۳۹</sup> به صورت یگانه‌پرستی و توحید بوده است و بعدها انحراف‌هایی در آن حادث شده است؛ هنر اسلامی نیز در تلاش است تا در مراتب سلوکی به چنان مرتبه‌ای رسد که در منزلگاه حب الهی مکان گیرد و ذوات را محو منظمس در ذات حق یابد.<sup>۴۰</sup> این عشق و پرستش که در او ان وجود و ابداع در حقیقت وجود او تعبیه شده است با متخلق کردن به اخلاق الوهی، او را برای کمال مظهریت خویش آراسته می‌سازد<sup>۴۱</sup> و کثرت قاب قوسین را از میان برمی‌خیزاند تا محو مطلق دست دهد، صعق کلی حاصل آید، فنای تام رخ دهد، غشوه‌ی تمام عارض گردد، غبار عبودیت از میان برخیزد<sup>۴۲</sup> و انکشاف شمس حقیقت و تقدس از غیوم صفات بشری به غیبت آن حاصل آید.<sup>۴۳</sup>

#### پانوشته‌ها:

۱- محسن شکوهی یکتا. مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۶۸-۶۶

## شش گفت‌وگو با پیکاسو

دانیل هانری کان وایلر  
ترجمه‌ی لیلا حاتمی

نشر دیگرو

### شش گفت‌وگو با پیکاسو

دانیل هانری کان وایلر

ترجمه‌ی لیلا حاتمی

نشر دیگرو

«هیچ وقت آدم نمی‌داند چه کاری قرار است انجام دهد. تابلویی را شروع می‌کنیم و کاملاً چیز دیگری از آب درمی‌آید. جالب است که خواسته‌ی هنرمند تا این حد کم به حساب می‌آید. آزاردهنده است. همواره آماتوری کنارت ایستاده که می‌گوید: این را دوست ندارم. یا آن طور نیست که می‌بایست باشد. خود را به قلم‌موها می‌آویزد؛ قلم‌موهایی که سنگین می‌شوند. سنگین ... چیزی سرش نمی‌شود ولی همیشه حضور دارد.»

در بخشی از این شش گفت‌وگو، پیکاسو به میراث ماتیس اشاره می‌کند و اینکه به آن دست درازی کرده است. سپس با جدیت درباره‌ی تابلوهایش و تازگی آنها صحبت می‌کند که در برخی از تابلوهایش رنگ‌های چشم‌گیر زیر رنگ‌های دیگری مدفون شده‌اند و حتی بارها پیش آمده است که سوژه نیز عوض شده است. پیکاسو در خطاب به وایلر می‌گوید که مدام در فکر تابلوی زنان الجزیره‌ی فرداست و از خود می‌پرسد چطور خواهد شد. باز هم آن را تکرار می‌کند: می‌فهمید مسئله «باز یافتن زمان» نیست بلکه «زمانی برای کشف کردن است.»

به نظر پیکاسو آدم از طریق کارهایش می‌تواند خود را به دیگران بفهماند. از دشواری ابداع می‌گوید. حتی ابداع موضوعی تازه. به هر حال موضوع وجود دارد. چنانچه ونوس و عشق تبدیل به مریم و کودک می‌شوند و سپس مادر بودن. اما هم‌چنان همان موضوع است. ابداع موضوع تازه، فوق‌العاده است. او ون‌گوگ را مثال می‌زند که از طریق سیب‌زمینی نقاشی می‌شد، چیزی به این بدشکلی یا از کفش‌های کهنه. خیلی کار مهمی است.

وایلر با پیکاسو درباره‌ی «تئوری گشتالت» صحبت می‌کند و به او می‌گوید اینکه این نظریه اولویت کل بر جزء را بررسی کرده برایش بسیار تکان‌دهنده است. آن هم زمانی که کوبیسم جزئیات تابلو را مطیع قانون کل می‌کند و این اثباتی است بر وجود گرایش‌هایش که از نقاشی فراتر می‌رود و در کل حیات روح آشکار می‌شود.

- ۲- سوره‌ی ۳۰، آیه‌ی ۳۰.
- ۳- مرتضی مطهری. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۲۵۹-۲۵۶.
- ۴- زهرا رهنورد. حکمت هنر اسلامی، ص ۴۹.
- ۵- همان، ص ۴۰.
- ۶- علی شریعتی. هنر، مجموعه آثار، ج ۳۲، ص ۱۰۲.
- ۷- ابراهیم بورکهارت. هنر مقدس، ص ۱۲.
- ۸- میرچا الیاده. مقدس و نامقدس، ص ۱۸.
- ۹- محمد آوینی. جاودانگی و هنر، ص ۳۸.
- ۱۰- آرنولد هاورز. تاریخ اجتماعی هنر، ج ۱، ص ۲۲.
- ۱۱- زهرا رهنورد. حکمت و هنر اسلامی، ص ۱۷.
- ۱۲- انالله جمیل و یحی الجمال.
- ۱۳- محمودبن علی کاشانی. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، ص ۲۸۱.
- ۱۴- علی شریعتی. هنر، مجموعه آثار، ج ۳۲، ص ۱۰۳-۱۰۱.
- ۱۵- افلاطون. مجموعه آثار، ج ۱.
- ۱۶- همان، ج ۱.
- ۱۷- افلاطون. مجموعه آثار، ج ۱.
- ۱۸- میرچا الیاده. تاریخ ادیان، ص ۳۴-۵۱.
- ۱۹- مثل مارکس مولر.
- ۲۰- عین‌القضاة همدانی. رساله لوابیح، ص ۹۲.
- ۲۱- عین‌القضاة همدانی. رساله لوابیح.
- ۲۲- روح‌الله خمینی(ره). سرالصلوة، ص ۱۶۴-۱۶۶.
- ۲۳- محمودبن علی کاشانی. مصباح‌الهدایه و مفتاح الکفایه، ص ۲۸۱.
- ۲۴- مرتضی مطهری. هتزاز روح، ص ۹۳.
- ۲۵- سیدحسین نصر. هنر و معنویت اسلامی، ص ۱۸.

### منابع

- ۱- شکوهی، یکتا، محسن. مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۴.
- ۲- مطهری، مرتضی. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۱.
- ۳- شریعتی، علی. مجموعه آثار، ج ۳۲، تهران: دفتر تدوین و تنظیم آثار.
- ۴- بورکهارت، ابراهیم. هنر مقدس، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- ۵- الیاده، میرچا. مقدس و نامقدس، ترجمه‌ی نصرالله زنگولی، تهران: سروش، ۱۳۷۵.
- ۶- الیاده، میرچا. تاریخ ادیان، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: سروش، ۱۳۷۲.
- ۷- آوینی، محمد. جاودانگی و هنر، تهران: برگ، ۱۳۷۰.
- ۸- هاورز، آرنولد. تاریخ اجتماعی هنر، ترجمه‌ی امین مؤید، تهران: چاپخش، ۱۳۵۷.
- ۹- کاشانی، محمودبن علی. مفتاح الکفایه و مصباح الهدایه.
- ۱۰- افلاطون. مجموعه آثار، ترجمه‌ی محمد حسن لطفی، ج ۱، تهران: گلشن، ۱۳۳۷.
- ۱۱- خمینی(ره). روح‌الله. سرالصلوة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۶۹.
- ۱۲- مطهری، مرتضی. هتزاز روح، تهران: حوزه هنری، ۱۳۶۹.
- ۱۳- نصر، سیدحسین. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه‌ی رحیم قاسمیان، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴- همدانی، عین‌القضاة. رساله لوابیح.
- ۱۵- رهنورد، زهرا. حکمت و هنر اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۸.